

بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن (مطالعه در بین شهروندان تهرانی)

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۲۰

دکتر جعفر هزار جریبی^۱، رضا صفری شالی^۲

چکیده:

مسئله و هدف: رضایت از زندگی به متغیرهای متفاوتی بستگی دارد که یکسوی این نیازها به حکومت، سوی دیگر آن به جامعه و در نهایت به خود شخص بر می گردد. مسئله اصلی این است که با توجه به تغییرات سریعی که هر روز در جامعه اتفاق می افتد، رضایت از زندگی در حال حاضر چگونه است و تابع چه متغیرهایی می باشد، و نقش احساس امنیت تا چه اندازه است؟ از این رو هدف اصلی بررسی نقش و جایگاه امنیت بر میزان رضایت از زندگی در بین شهروندان تهرانی است.

روش: تحقیق حاضر از نوع تحقیقات همبستگی می باشد و در اجرای این تحقیق از روش اسنادی و میدانی (پیمایشی) استفاده شد و تکنیک مورد استفاده در بخش میدانی، پرسشنامه می باشد.

یافته: یافته های حاصل از تحلیل مسیر نشان می دهد که متغیر احساس امنیت با ضریب مسیر ۰/۴۵ بر رضایت از زندگی تأثیر می گذارد از این رو می توان به سهم به سزای سازمانهایی (مثل نیروی انتظامی، پلیس ۱۱۰ و سازمانهای رفاهی) در خلق و ایجاد امنیت در بین مردم اشاره داشت. اما بعد از متغیر احساس امنیت به ترتیب سایر متغیرها «احساس محرومیت» با ضریب تأثیر ۰/۱۴-، «اعتماد به کارایی مسئولین» با ضریب تأثیر ۰/۱۱، «ارضا نیازها» با ضریب تأثیر ۰/۱۱، «اعتماد اجتماعی» با ضریب تأثیر ۰/۱۰ بر روی متغیر رضایت اجتماعی تأثیر دارند. این نتیجه نشان می دهد که مجموع متغیرهای مذکور توانسته اند بیشتر از نیمی از واریانس متغیر رضایت اجتماعی را تبیین کنند. چارچوب نظری و یافته های میدانی نوشتار حاضر نشان می دهد که همبستگی بالایی (۰/۶۰) بین احساس امنیت و رضایت از زندگی وجود دارد.

نتایج: البته بر طبق نتایج پیوند رابطه، ضریب همبستگی بین رضایت اجتماعی و امنیت اجتماعی بالا می باشد و بالا بودن میزان هر یک از این دو می تواند در خلق دیگری موثر باشد. از این رو ایجاد امنیت در سطح اجتماع و در بین عموم مردم باید به عنوان متغیر کلیدی مورد مطالعه محققین و توجه مسئولین در حوزه های انتظامی و رفاهی قرار گیرد.

کلید واژگان: رضایت اجتماعی، احساس امنیت، امید به آینده فردی و اجتماعی، احساس محرومیت، ارضای نیازها

۱- دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی / hazer_Jafar@yahoo.com
۲- مدرس جهاد دانشگاهی تهران و پژوهشگر علوم اجتماعی / reza_safaryshali@yahoo.com

مقدمه

اینگلهارت^۱ مفهوم رضایت را این‌گونه تعریف می‌نماید: «احساس رضایت از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می‌آید.» (اینگلهارت، ۱۹۹۸: ۲۴۱).

ازکمپ (۱۹۹۵:۶۹) در تعریف رضایت از زندگی می‌گوید: رضایت بر تجربه شناختی و داورانه‌ای دلالت دارد که به عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و پیشرفت در زندگی (یعنی تحقق آرزو) تعریف می‌شود. این تعریف طیفی را تشکیل می‌دهد که از ادراک کامروایی تا حس محرومیت را در برمی‌گیرد. این مفهوم با مفهوم خوشحالی که ناظر بر تجربه عاطفی (هیجان‌ها و احساسات) می‌شود، تفاوت دارد.

بنابراین، رضایت از زندگی اگر چه تا حد زیادی بستگی به شرایط فردی دارد، اما تأثیر عوامل اجتماعی در افزایش یا کاهش آن بسیار مؤثر است. جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هم‌نوعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد. رضایت کلی از زندگی، ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی است و در واقع خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که وی را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند می‌باشد. رضایت از زندگی، همبستگی بالایی با احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد با جامعه دارد و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است. سطح پایین رضایت از زندگی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه کل مربوط می‌شود. شاید دلیل عمده این شرایط، وضعیتی است که جامعه از جهت تحقق اهداف و ایجاد امنیت ناشی از تحقق آن برای فرد در پی می‌آورد. احساس امنیت ناشی از ارضای نیازها و تحقق اهداف، از جمله عواملی اساسی است که رضایت از زندگی را در بین افراد جامعه

1- Ingelhart

گسترش می‌دهد. بدین ترتیب شاید بتوان امنیت را محور اصلی شاکله نیازمندی‌های انسان دانست که با دیگر نیازمندی‌های اولیه او، مانند خوراک، مسکن و ... ارتباط مستقیمی دارد. در مجموع در پیگیری تاریخی خیزش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی، متوجه خواهیم شد که به دنبال هر تغییری در وضع حاکمیت، مردم همواره خواستار تأمین «امنیت» فردی و اجتماعی، عدالت و آزادی هستند. از این رو، امنیت همواره یکی از نیازهای مردمی بوده است و با رضایت از زندگی همبستگی بالایی دارد (Rush, ۱۹۹۲:۴۲).

در خصوص اهمیت موضوع مورد بررسی باید خاطر نشان ساخت که انسان موجودی هدفمند و همیشه در پی ارزیابی از وضعیت زندگی می‌باشد و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد احساس رضایت نمی‌کند. شاید به جرأت بتوان گفت نهایت آمال هر انسانی، تحقق اهداف و آرزوهایش است البته سطح اهداف و آرزو ریشه در شرایطی دارد که فرد در کنش متقابل با دیگران و وضعیت موجود به دست می‌آورد. از این رو، امروزه هر جامعه توسعه یافته به فکر رضایت شهروندان خود می‌باشد؛ زیرا رضایت از زندگی با توسعه اجتماعی و اقتصادی همخوانی و همبستگی بالایی دارد (اینگلهارت، ۱۹۹۸: ۳۳). عنصر رضایت یکی از عناصر اساسی نظم، وفاق و همبستگی اجتماعی است، توجه به آن از این جهت حائز اهمیت است که می‌توان ضمن شناخت شرایط روانی جامعه، عناصر اجتماعی بسیاری را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد (Fletcher, ۱۹۵۶:۲۲). از سوی دیگر باید توجه داشت که وجود و تداوم نارضایتی در زندگی مردم برای هر نظام اجتماعی مشکل‌آفرین است. زیرا تداوم گسترش آن باعث کم‌رنگ شدن تعهد افراد به نظام ارزشی و اعتماد آنان نسبت به سایر اعضای جامعه شده و چه بسا منشا بسیاری از تحولات اجتماعی شود. عواطف مثبت فرد از شرایط خود اگر چه عنصری ذهنی است اما ریشه در شرایط عینی دارد. نمی‌توان این حقیقت را نادیده انگاشت که مؤلفه اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل و ارزیابی‌ای ذهنی است که نسبت به شرایط خود و جامعه در تطبیق با دیگران دارد. چنانچه ارزیابی فرد از اوضاع شخصی یا از زندگی خود به نتایج منفی بینجامد، این عاطفه منفی در همان بخش محدود نمانده و بسیاری از رفتارها و

گرایش‌های فرد نسبت به وضعیت فردی و شرایط اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و متحول می‌کند (Mendoza & Napoli, ۱۹۹۵).

اما در این نوشتار سوالات پیش آمده این است که میزان رضایت از زندگی در بین جامعه آماری مورد مطالعه چقدر است؟ و کدام عوامل، منبع بیشترین رضامندی برای مردم و کدام عوامل موجب نارضامندی آنهاست؟ و با توجه به نقشی که در تحقیقات پیشین در خصوص احساس امنیت قائل شده اند، سهم آن در تبیین رضایت تا چه اندازه می‌باشد؟ از این رو، مقاله حاضر تلاشی است محدود و نسبی بدین سؤالات و آزمون نظریه‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به رضایت از زندگی پرداخته‌اند.

مروری بر مطالعات انجام شده (پیشینه تحقیق)

رونالد اینگلهارت (۱۹۹۸) تحقیقی در مورد رضایت از زندگی و توسعه دارد، نتایجی که او از اطلاعات مربوط به رضایت از زندگی می‌گیرد را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

رضایت از زندگی و خوشبختی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی متناسب است. در این میان امنیت اقتصادی باعث سطح بالای رضایت از زندگی می‌شود، از این رو باید انتظار داشته باشیم ملل مرفه سطوح نسبتاً بالاتر رضایت از زندگی را نسبت به ملل فقیر نشان دهند. همبستگی کلی بین تولید سرانه ناخالص ملی و رضایت از زندگی، ۶۷ درصد است (اینگلهارت، ۱۹۹۸: ۳۳).

نورمن برادبورن^۱ و دیوید کاپلوویتز^۲ از مرکز ملی بررسی افکار (NORC) آمریکا از اولین کسانی بودند که دست به سنجش احساس میزان رضایت و امنیت مردم زدند. آنها به اهمیت رضایت از زندگی در سیاستگذاری توسعه اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های ملی دولت‌ها اشاره کرده‌اند (Hewstone, ۲۰۰۱: ۲۵).

1- Norman Bradburn
2- David Caplovitz
3- National Opinion Research Center

کانورس (۱۹۷۶)، در پژوهشی با عنوان «بهر روزی در آمریکا»، اینگلهارت (۱۹۹۰) در کتاب «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی». همچنین نتایج سایر پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که ۲۰ درصد مردم جوامع غربی خود را خوشبخت می‌دانند و از زندگی خود کاملاً رضایت دارند، ۵۸ درصد نسبتاً خوشبخت و ۲۰ درصد خود را چندان خوشبخت نمی‌دانند (اینگلهارت، ۱۹۹۰: ۲۴۸).

رضایت از زندگی با توسعه اجتماعی و اقتصادی همبستگی دارد (baker, ۱۹۹۰) نقل از ناییب، ۱۳۷۴: ۱۳).

احساس خوشبختی با بیگانگی و بی‌اعتمادی همبستگی منفی دارد (Robinson, ۱۹۷۶: ۱۱).

رضایت از زندگی با حمایت از نظام حاکم همبستگی دارد (اینگلهارت، ۱۹۹۴: ۴۳) رضایت از زندگی با امنیت شغلی همبستگی دارد (از کمپ، ۱۳۷۰: ۲۷۸).

رضایت از زندگی با پایگاه اجتماعی اقتصادی همبستگی دارد (Robinson, ۱۹۷۶: ۱۱).

احساس رضایت از زندگی با احساس عدالت توزیعی همبستگی بالایی دارد (صفری شالی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

احساس امنیت با رضایت از زندگی دارای همبستگی قوی بوده و هر دو از شاخص‌های کلیدی رفاه اجتماعی محسوب می‌شوند (صفری شالی، ۱۳۸۹: ۴).

مبانی نظری موضوع

از آنجا که مبحث رضایت از زندگی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی می‌باشد ما الزاماً باید هم از نظریه‌های روان‌شناختی و هم نظریه‌های جامعه‌شناختی استفاده کنیم.

مازلو به عنوان یک روان‌شناس نیازهای انسانی را نوع مخصوصی از غرائز می‌داند که در حیوانات یافت نمی‌شود. اغلب علمای روان‌شناس درباره نیازها سخن گفته‌اند اما نظریه مازلو درباره نیازها و سلسله مراتب نیازها^۱ در انسان از اهمیت خاصی برخوردار است.

براساس «نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو» نیازهای انسانی به ۵ دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

- ۱- نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی^۱
- ۲- نیاز به امنیت و اطمینان^۲
- ۳- نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران^۳
- ۴- نیازهای من یا صیانت ذات، نیاز به احترام^۴
- ۵- نیازهای خودیابی و تحقق خویشتن^۵

مازلو در نظریه سلسله مراتب نیازها، مفهوم «رضایت» را مترادف با «ارضای نیاز، تأمین نیاز و رفع نیاز» می‌داند. ارضای نیاز شامل حالاتی مانند نیرومندی، چالاکی، لذت و پاداش است. پس از ارضای یک سطح از نیازها، نیازهای سایر سطوح، اهمیت پیدا می‌کنند و آنها خواهند بود که بر رفتار شخص تسلط خواهند یافت تا به پایین‌ترین سلسله مراتب برسیم (Mendoza, ۱۹۹۵: ۱۵۶).

به طور عادی و معمولی در جامعه پاره‌ای از نیازهای اساسی افراد ارضا می‌شود و پاره‌ای دیگر ارضا نشده باقی می‌ماند. به زعم مازلو درصد رضایت افراد در برآوردن نیازها به تدریج افزایش پیدا می‌کند و با گذشت زمان درصد ارضای نیاز بیشتر می‌شود و این امر با انتظارات افراد رابطه مستقیم دارد (مازلو، ۱۹۹۵: ۹۱).

مازلو در مورد اینکه هر کدام از نیازهای انسانی در افراد مختلف تا چه حد ارضا شده و موجب رضایت از زندگی در افراد می‌شود معتقد است نیازها در افراد مختلف متفاوت بوده و نسبی‌اند. نیازهای هیچ‌کسی در تمام موارد و به طور کامل ارضا نشده و هیچ‌کس تاکنون، به رضایت کامل نرسیده است.

- 1 - Physiological Needs
- 2- Safety Need
- 3- Social Needs
- 4 - Esteem or ego Needs
- 5- Self Actualization Needs

اما نظریه دیگری که در خصوص رضایت از زندگی می‌توان مطرح کرد، «نظریه برابری» است. اساس این نظریه مبتنی بر ادراک فرد از شغل خود بوده و چگونگی رفتار او را در برابر سازمان بیان می‌دارد. براساس این، نظریه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی چون تجربه و تبحر، تحصیلات، هوش، استعداد، سن و سوابق کاری را با خود به سازمان (یا محیط زندگی و فعالیت خود) می‌آورد و در مقابل انتظار دارد سازمان یا محیط بیرون نیز متناسب با این خصوصیات، مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد. چنانچه شخص احساس کند که بین این دو دسته عوامل نوعی برابری و همپایگی موجود است، این امر در او احساس امنیت و آرامش و در نهایت رضایت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، بشر همیشه در پی آن است که با او به طور منصفانه رفتار شود.

در این نوشتار به جای سازمان کار، مقوله جامعه و به جای پاداش‌ها و مزایای سازمان، مقوله امکانات و تسهیلات منطقه سکونت قرار داده شده و از این طریق نظریه برابری، مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا احساس برابری بین «داده»^۱ یا آنچه فرد وارد جامعه کرده است (نظیر سن، نیروی کار خود، مهارت‌های خود) با «ستانده»^۲ یا آنچه که فرد از جامعه دریافت کرده است (نظیر شغل، درآمد بیشتر، امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی محل، امکان رشد و پیشرفت و بهره‌مندی از تسهیلات و امتیازات مختلف) موجب رضامندی از زندگی است.

از جمله نظریه‌های مطرح دیگر در ارتباط با رضایت از زندگی، نظریه محرومیت نسبی^۳ است براساس این دیدگاه انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی و ...) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به‌اثری درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارض‌های شدیدی را در پی دارد.

1- Input

2- Out put

3- Relative Deprivation

رویکردهای محرومیت نسبی دارای چند ویژگی با اهمیت هستند که باعث می‌شوند به عنوان یک رویکرد در ارزیابی از عدالت در جامعه و رضایت از زندگی مطرح شوند: اول اینکه، از فرایندهای مقایسه اجتماعی در تحلیل‌های خود سود می‌جویند، (فرایندی که در اغلب نظریه‌های ارزیابی از عدالت مطرح و در آنها مستتر است). دوم اینکه، این نظریه‌ها درباره تبیین انقلاب و ناآرامی‌های ناشی از واکنش‌های جمعی، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند و سوم اینکه، در ارتباط با ویژگی دوم، این نظریه‌ها برای تبیین انقلاب دارای نگرش‌های فردگرایانه و روان‌شناختی هستند یعنی اصالت را در بروز پدیده انقلاب به وضعیت فرد و تصور او از موقعیت قرار گرفته در آن می‌دهند.

تدگار، به هنگام بحث از محرومیت نسبی در کتاب خود به نام «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» بیان می‌دارد: نارضایتی‌های اجتماعی همیشه در نتیجه بروز این احساس و حالت روانی به انسان‌ها دست می‌دهد. به اعتقاد وی شرایط بروز احساس محرومیت، یگانه و همانند نیست، بلکه می‌توان انواع گوناگون و شرایط متعدد بروز آن را از یکدیگر تفکیک کرد. او خود سه نوع محرومیت را از یکدیگر متمایز کرده است: «محرومیت ناشی از کاهش امکانات که در آن توقعات ثابت باقی می‌مانند، دوم، ناکامی ناشی از افزایش سطح توقعات که در آن امکانات نسبتاً ثابت هستند، سوم، ناکامی فزاینده که در آن توقعات افزایش و امکانات کاهش می‌یابد.

از یک نظر تئوری محرومیت نسبی، ریشه در فرضیه ناکامی - پرخاشگری دارد و از نظر دیگر احساس محرومیت، خود نتیجه فزاینده مقایسه است.

به طور کلی، براساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی شده و این امر باعث بروز نارضایتی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود.

نظریه ارزش منزلت نیز به بررسی رضایت از زندگی می‌پردازد. این نظریه، سطوح داده‌ها را به اندازه سطوح پاداش‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. برطبق این نظریه هر دو جزء فوق برحسب ارزش‌های منزلتی‌شان یا درجه‌بندی‌های حیثیت^۱ خود، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد تا براساس ارزش اقتصادی و مصرفی آنها، (که این امر البته مورد توجه نظریه مبادله نیز قرار داشت) برگر و دیگران^۲ استدلال می‌کنند که افراد مفاهیم قالبی^۳ را از طریق ارتباط بین ویژگی‌های اجتماعی و درآمدهای خاص با هدف‌های عینی گسترش می‌دهند. برگر و دیگران (همانند تأکید هومنز بر تناسب منزلت)، استدلال می‌کنند که مردم انتظار دارند که بین ویژگی ارزش‌های منزلتی یک فرد و پاداش‌های دریافتی به او تناسب و همخوانی وجود داشته باشد (Cook, Karen. Et al, ۱۹۹۵:۱۱۲)، براساس دیدگاه ارزش منزلت هر فرد دوست دارد با توجه به موقعیت خود (که شامل سطح تحصیلات، میزان زحمت و تلاش و امکانات و ... می‌گردد) منزلت و جایگاه مناسب در جامعه، محل کار و خانواده داشته باشد اگر فرد چنین شرایطی را دارا باشد احساس رضایت از زندگی خواهد داشت و در غیر این صورت، احساس نارضایتی می‌کند.

از جمله نظریه‌های مطرح دیگر در حوزه روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌های بیگانگی اجتماعی است. باید خاطر نشان ساخت که نظریه‌های اجتماعی که درباره بیگانگی^۴ مطرح شده‌اند تلویحاً در برگیرنده مقوله رضایت از زندگی هم هستند. به عبارت دیگر، می‌توان احساس بیگانگی اجتماعی را تلویحاً به معنای تبیین نارضایتی و عدم بهروزی به شمار آورد. به عبارت دیگر، بیگانگی اجتماعی به طور کلی به معنای بیگانگی فرد از جنبه‌های اصلی وجود اجتماعی‌اش^۵ بوده (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۷۳ به نقل از گودرزی، ۱۳۷۴) و به طور ضمنی، مبین نارضایتی و ناخرسندی است.

1- Prestige
2-Berger et al
3- Stereotype
4- Alienation

البته مقوله بیگانگی فقط توسط جامعه‌شناسان مطرح نشده، بلکه در نظریه‌های روان‌شناسی هم سخت مورد توجه قرار گرفته است.

به نظر مرتون هر سه جنبه بیگانگی یعنی بی‌قدرتی^۱، بی‌هنجاری^۲ و احساس انزوای اجتماعی^۳ می‌تواند در فرد توأمأ یا به صورت مجزا تظاهر کند.

چارچوب نظری مقاله حاضر براساس نظریه کنش متقابل پارسونز تدوین شده است. اساس چارچوب نظری بر این ایده است که اجتماع نظام یافته یا جمعی شده پارسونز، اعضای جامعه را گرد هم آورده و از طریق این تجمیع به آنها توانایی می‌دهد تا از منافع مشترک خود در مراحل مختلف (از انطباق تا حفظ الگو) دفاع کنند و به تأمین نیازها و تحقق اهداف و در نهایت رضایت از زندگی بپردازند (ریترز، ۲۰۰۴: ۱۳۴).

جدول شماره ۱: کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز

اولین سطح انتزاع نیازهای کارکردی نظام	دومین سطح انتزاع خرده نظام‌های نظام کنش	سومین سطح انتزاع خرده نظام های اجتماعی
سازگاری (تطبیق) ←	نظام رگانیسمی	رگانیسم زیستی یا رفتاری (ز طریق اقتصاد)
دستیابی به هدف (هدف یابی) ←	نظام شخصیت	شخصیت (از طریق سیاست)
یکپارچگی (تجانس) ←	نظام اجتماعی	جامعه (از طریق دین و نظام قانونی)
حفظ الگو (ابقا) ←	نظام فرهنگی	فرهنگ (از طریق آموزش و پرورش و..)

بدین ترتیب در خصوص احساس امنیت و در نهایت عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی لازم است که به چهارخرده نظام اجتماعی (اقتصاد، سیاست، دین و نظام قانونی و عرف اجتماعی) توجه داشت و اگر این چهارخرده نظام هر یک به نوبه خود فعالیت و کارکرد خود را درست انجام دهند، می‌توانند باعث احساس رضایت در بین شهروندان تهرانی شوند و در غیر این صورت، اگر هر یک از این چهارخرده نظام فعالیت خود را درست انجام ندهند، باعث بروز احساس ناامنی و به عبارتی بی‌نظمی و عدم رضایت در بین افراد جامعه می‌شوند.

1- Powerlessness
2- Normlessness
3- Social Isolation

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع همبستگی است که در آن به بیان رابطه بین متغیرها پرداخته خواهد شد. در اجرای تحقیق حاضر از دو روش اسنادی و میدانی (پیمایشی) استفاده شد. تکنیک مورد استفاده در بخش میدانی، پرسشنامه است و برای اطمینان از صحت، صراحت و اعتبار سئوالات، آزمون مقدماتی^۱ پرسشنامه انجام، و پس از رفع اشکالات و نواقص پرسشنامه، نسبت به تکمیل آن در میان جامعه نمونه اقدام گردید. جامعه آماری این تحقیق، شامل افراد بالای ۲۰ سال (۵ منطقه) شهر تهران در سال ۱۳۸۷ می باشد. اما حجم نمونه تحقیق ۶۰۰ نفر است که براساس فرمول کوکران به دست آمد. در مورد شیوه نمونه گیری لازم به توضیح می باشد که با توجه به تفاوت‌ها و نابرابری‌های موجود در شهر تهران، در تحقیق حاضر سعی شد که شهر به پنج قسمت تقسیم شود و از هر قسمت یک منطقه شهرداری یعنی در شمال (منطقه ۳)، جنوب (منطقه ۱۹)، شرق (منطقه ۸)، غرب (منطقه ۲۲) و مرکز (منطقه ۱۰) انتخاب گردید.

ملاک و چارچوب نمونه‌گیری اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران می باشد. در این مناطق پس از مرزبندی بر روی نقشه‌های موجود، هر منطقه به حوزه‌های متفاوت تقسیم شده و سپس بلوک‌ها برای مراجعه و تکمیل پرسشنامه در نظر گرفته شدند. البته برای انتخاب افراد نمونه در داخل هر یک از مناطق از روش نسبت استفاده شد. پرسشنامه‌ها با مراجعه به درب منازل و انتخاب افراد نمونه به صورت تصادفی شکل گرفت.

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از درصد فراوانی هر یک از شاخص‌های تحقیق از نگاه پاسخگویان در جدول شماره دو آمده است. در مجموع مقایسه داده‌ها نشان می‌دهد که میزان رضایت فردی بیشتر از رضایت در حوزه اجتماعی است، البته نتایج سایر تحقیقات و

پیمایش‌های ملی که به بررسی میزان رضایت در دو بُعد فردی و اجتماعی^۱ پرداخته‌اند، نیز همین نتیجه را تأیید می‌کنند. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که میزان رضایت اجتماعی در حال کاهش است و از طرف دیگر افراد سعی می‌کنند، که برای آینده شخصی خود برنامه‌ریزی کرده و با توجه به بالا بردن میزان تحصیلات، رسیدگی به وضعیت سلامتی، میزان رضایت فردی خود را بالا ببرند. البته تئوری جبران نیز همین موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد، زیرا براساس این تئوری اگر در یک حوزه احساس نارضایتی یا محرومیت کنند، سعی می‌کنند که با تلاش در حوزه دیگر به وضعیت بهتری برسند، از این رو، معمولاً افرادی که از حوزه اجتماعی ناامید باشند، اما از لحاظ فردی انگیزه بالایی برای پیشرفت داشته باشند، سعی می‌کنند که به حوزه فردی خود توجه بیشتری داشته و میزان رضایت یا نقطه امید خود را در این حوزه بالاتر ببرند، تا جبرانی در مقایسه با حوزه عمومی و اجتماعی باشد.

جدول شماره ۲- بررسی درصد فراوانی هر یک از شاخص‌های تحقیق در بین پاسخگویان

میانگین	درصد فراوانی					شاخص
	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۳.۶	۱۶	۴۶.۵	۲۳	۱۱	۳.۵	رضایت فردی
۲.۷۲	۲.۵	۲۲	۳۷	۲۳	۱۶	رضایت اجتماعی
۲.۹۴	۹	۲۸	۲۲	۳۱	۱۰	اعتماد به کارایی مسئولان
۳.۰۷	۱۶	۲۱	۳۰	۱۹	۱۴	امید به آینده اجتماعی
۳.۳۱	۱۱	۳۹	۲۷	۱۶	۷	احساس عدالت توزیعی
۲.۶۷	۳	۱۸	۴۳	۱۵.۵	۲۱	ارضای نیاز
۲.۹۵	۶	۲۵	۳۷	۲۵	۸	احساس امنیت

۱- لازم به توضیح است که پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ابتدا در سال ۱۳۵۳ توسط اسدی و از سوی پژوهشکده علوم اجتماعی و توسعه ایران انجام گرفت. این تحقیق در ۲۳ شهر و ۵۲ روستای کشور به اجرا درآمد، اما در سال ۱۳۷۴ تحقیقی در خصوص آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران به کوشش دکتر منوچهر محسنی و از سوی شورای فرهنگ عمومی در ۱۵ شهر کشور انجام شد. تا اینکه به صورت رسمی از سال ۱۳۷۸ به بعد، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و قرار شد که هر دو سال یکبار، توسط دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به اجرا درآید که تاکنون دو بار (دو موج) این طرح به اجرا درآمده است.

۳.۲۳	۱۱	۳۱.۵	۳۵	۱۵	۷	امید به آینده فردی
۲.۸۴	۴	۱۶	۴۷	۲۵	۸	اعتماد اجتماعی
۳.۰۷	۱۶.۵	۲۲	۲۵	۲۵	۱۱	احساس محرومیت
۳.۸۴	۳۸	۲۹	۱۸.۵	۱۰	۵	دینداری

در مجموع مقایسه میانگین متغیرها نشان می دهد که در مجموع رضایت فردی و امید به آینده فردی بالاتر از رضایت اجتماعی و امید به آینده اجتماعی است. در ضمن مقایسه متغیرها نشان می دهد که میزان احساس عدالت، امنیت و... در بین پاسخگویان بالاتر از متوسط می باشد و لازم است که میزان احساس محرومیت در بین پاسخگویان پایین بیاید.

جدول شماره ۳ - بررسی میزان همبستگی دو متغیر «امنیت و رضایت» با سایر متغیرهای تحقیق

همبستگی متغیر امنیت با سایر متغیرها			همبستگی متغیر رضایت (کل) با سایر متغیرها		
نام متغیر	ضریب همبستگی	sig	نام متغیر	ضریب همبستگی	sig
رضایت فردی	۰/۴۰	۰/۰۱	اعتماد اجتماعی	۰/۵۶	۰/۰۱
رضایت اجتماعی	۰/۵۰	۰/۰۱	اعتماد به کارایی مسئولان	۰/۳۹	۰/۰۱
اعتماد اجتماعی	۰/۷۸	۰/۰۱	امید به آینده اجتماعی	۰/۳۸	۰/۰۱
اعتماد به کارایی مسئولان	۰/۳۷	۰/۰۱	امید به آینده فردی	۰/۵۰	۰/۰۰
دینداری	۰/۲۳	۰/۰۱	احساس امنیت	۰/۶۰	۰/۰۰۱
امید به آینده اجتماعی	۰/۵۱	۰/۰۱	احساس محرومیت	-۰/۲۹	۱۰/۰۰
امید به آینده فردی	۰/۵۷	۰/۰۱	دینداری	۰/۱۶	۰/۰۱
احساس عدالت	۰/۵۳	۰/۰۱	ارضای نیازها	۰/۳۵	۰/۰۱
ارضای نیازها	۰/۲۳	۰/۰۱	احساس عدالت	۰/۴۳	۰/۰۱
احساس محرومیت	-۰/۱۰	۰/۰۲			

بر طبق نتایج جدول بالا متغیر امنیت و رضایت با متغیرهای «اعتماد اجتماعی، اعتماد به کارایی مسئولان، احساس عدالت، امید به آینده فردی و اجتماعی» دارای همبستگی متوسط رو به بالا است. از این رو، می توان نتیجه گرفت که با بالا بودن

میزان امنیت و رضایت، میزان هر یک از متغیرهای ذکر شده نیز بالا خواهد بود و این نشان از همبستگی مستقیم بین این متغیرهاست. اما تنها متغیری که داری همبستگی منفی و معکوس با دو متغیر امنیت و رضایت است، متغیر احساس محرومیت می باشد، زیرا بر طبق نتیجه به دست آمده می توان با احتمال ضعیف روبه متوسط گفت که با بالا بودن میزان احساس محرومیت، میزان احساس امنیت و رضایت پایین خواهد بود.

یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر

نتایجی که در این قسمت مورد اشاره قرار خواهد گرفت، راجع به نتایجی است که به تحلیل مجموعه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته رضایت می‌پردازند. در ادامه، به تفکیک به نتایج فوق اشاره می‌شود:

متغیر وابسته اصلی و نهایی این تحقیق، متغیر «رضایت از زندگی» است که در این قسمت، به بررسی نتایج حاصل از آزمون تحلیل مسیر عواملی پرداخته می‌شود که بر رضایت تأثیر گذاشته‌اند. البته قبل از اشاره به این نتایج، باید گفت که متغیرهای مستقل به سه شیوه (الف - اثر صرفاً مستقیم، ب- اثر صرفاً غیرمستقیم، ج - اثر مستقیم و هم غیرمستقیم به صورت توأمان) و با بتاهای مختلف بر رضایت از زندگی (به‌عنوان متغیر وابسته) تأثیر داشته‌اند که در زیر به ترتیب سهم نسبی تأثیر هر یک در این سه شیوه، به نتایج اشاره می‌شود:

الف) متغیرهایی که تنها تأثیر مستقیم بر رضایت داشته‌اند.

از میان مجموعه متغیرهای مستقل، سه متغیر صرفاً به صورت مستقیم بر رضایت تأثیر گذاشته‌اند که کیفیت و میزان تأثیر آنها به ترتیب به قرار زیر بوده است:

۱- متغیر احساس امنیت با ضریب تأثیر ۰/۴۵ اولین متغیری بود که بیشترین تأثیر را بر رضایت داشت. براساس این نتیجه، هرچه میزان احساس امنیت در جامعه بیشتر باشد، رضایت افراد بیشتر است و بالعکس. البته لازم به توضیح است که این متغیر بلافاصله بعد از متغیر رضایت به‌عنوان متغیر وابسته میانی وارد معادله

رگرسیون شد و تأثیر سایر متغیرها بر روی آن به دست آمد و به همین خاطر تأثیر غیرمستقیم بر روی رضایت نداشته است و در مجموع می‌توانیم بگوییم که از مهم‌ترین متغیرهایی است که می‌تواند واریانس (تغییرپذیری) متغیر رضایت را تحت تأثیر قرار دهد.

ب) متغیرهایی که تنها تأثیر غیرمستقیم بر رضایت داشته‌اند.

براساس نتایج تحقیق در خصوص عوامل مؤثر بر رضایت، پنج متغیر از میان مجموعه متغیرهای مستقل توانسته‌اند صرفاً تأثیر غیرمستقیم (یعنی با واسطه متغیرهای وابسته دیگری مثل احساس امنیت و اعتماد اجتماعی) بر رضایت بگذارند. به طوری که:

۱- متغیر احساس عدالت اجتماعی با ضریب $0/12$ از طریق متغیر احساس امنیت و با ضریب $0/32$ از طریق متغیر اعتماد اجتماعی بر رضایت تأثیر داشته است. این نتیجه دلالت بر آن دارد که هرچه افراد تلقی مثبت‌تری از روند عدالت در جامعه داشته باشند، میزان احساس امنیت و اعتماد در بین آنها بالا می‌رود و با بالا رفتن این دو متغیر، میزان رضایت بیش از زمانی است که این ارزیابی از گرایش مثبت کمتری برخوردار باشد.

۲- متغیر امید به آینده اجتماعی با ضریب $0/22$ با واسطه متغیر اعتماد، تأثیر افزایش بر میزان رضایت افراد دارد، این نتیجه نشان می‌دهد، هرچه میزان امید به آینده اجتماعی بیشتر باشد، احساس اعتماد و در نهایت رضایت در زندگی بیشتر است. پس، افرادی که امید زیادی به آینده جامعه ندارند، رضایت کمتری از زندگی دارند.

۳- متغیر امید به آینده فردی با ضریب $0/30$ با واسطه متغیر اعتماد و با ضریب $0/16$ از طریق متغیر احساس امنیت تأثیر افزایش بر میزان رضایت افراد دارد، این نتیجه نشان می‌دهد، هر چه میزان امید به آینده فردی در بین مردم بالاتر رود، احساس اعتماد و امنیت و در نهایت رضایت در زندگی بیشتر می‌شود.

ج) متغیرهایی که هم تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم بر رضایت داشته‌اند. علاوه بر متغیرهای اشاره شده متغیرهایی هم وجود دارند که توانسته‌اند هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر رضایت از زندگی تأثیر بگذارند. کیفیت تأثیر این متغیرها به ترتیب میزان آنها بدین قرار است که:

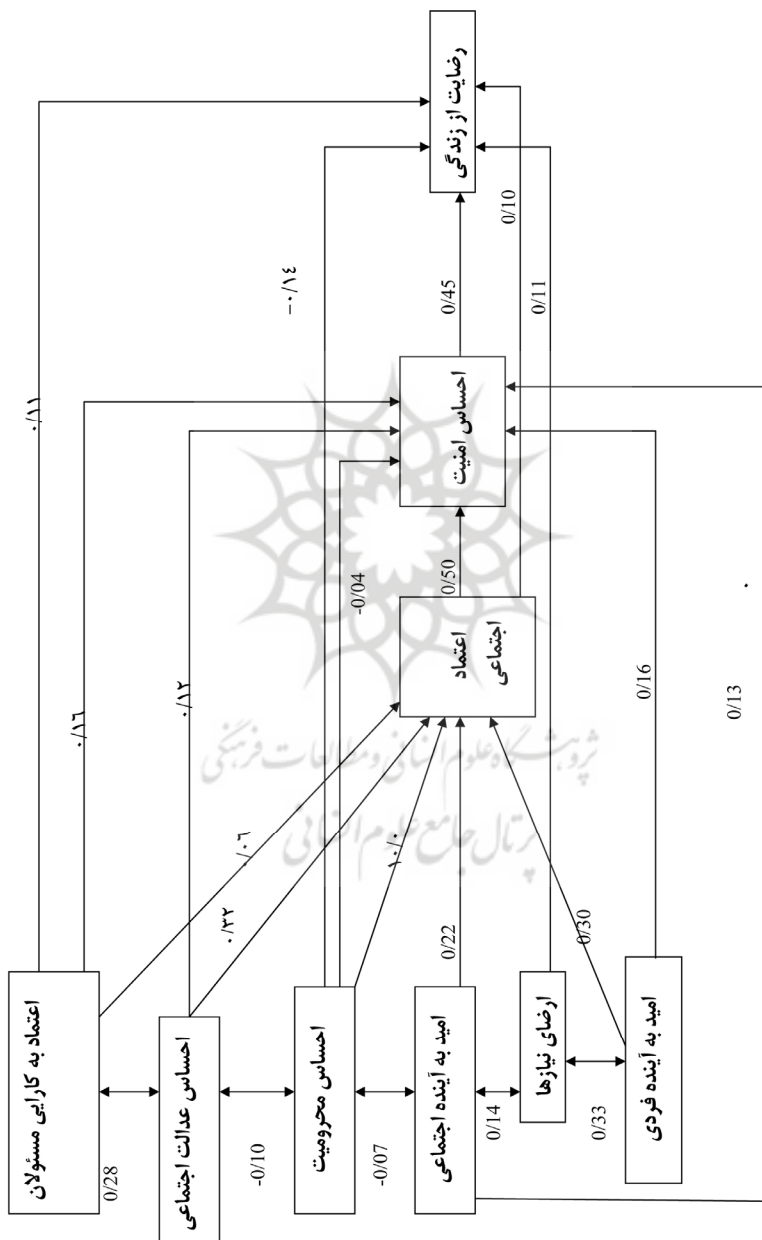
- متغیر احساس محرومیت بر رضایت از زندگی (به میزان ۰/۱۴- دارای تأثیر کاهنده است و اما این متغیر با واسطه متغیر احساس امنیت (با ضریب ۰/۰۴-) و از طریق متغیر اعتماد (با ضریب ۰/۱۰-) نیز تأثیر کاهنده بر میزان رضایت از زندگی دارد و به عبارت دیگر هر چه میزان احساس محرومیت در جامعه بالاتر رود، میزان احساس امنیت و اعتماد و در نهایت رضایت در جامعه کاهش پیدا خواهد کرد.

متغیر اعتماد به کارایی مسئولان مربوطه با ضریب ۰/۱۱- به صورت مستقیم بر رضایت از زندگی تأثیر می‌گذارد و اما این متغیر با واسطه متغیر احساس امنیت (با ضریب ۰/۱۶) و از طریق متغیر اعتماد اجتماعی (با ضریب ۰/۰۶) نیز تأثیر افزاینده بر میزان رضایت از زندگی دارد این تأثیر نشان از آن دارد که هر چه میزان اعتماد به مسئولان در جامعه بالاتر باشد، میزان رضایت نیز بیشتر است.

متغیر ارضای نیازها به صورت مستقیم به میزان ۰/۱۱ و با واسطه متغیر احساس امنیت با ضریب ۰/۰۸، حکایت از آن دارد که هرچه نیازهای اعضای جامعه به میزان بیشتری ارضا شود، میزان احساس امنیت و رضایت از زندگی نیز بالاتر می‌رود. متغیرهای بیرونی این معادله عبارتند از: «اعتماد به کارایی مسئولان، احساس عدالت، احساس محرومیت، امید به آینده فردی و اجتماعی، ارضای نیازها»^۱.

۱- منظور از متغیرهای بیرونی، متغیرهایی هستند که به عنوان متغیر وابسته وارد معادله نشده و تأثیر رگرسیونی سایر متغیرها بر روی آنها محاسبه نشده است. البته برای اینکه بدانیم بین این متغیرها با یکدیگر همبستگی وجود دارد یا خیر، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که مقدار هر یک از این همبستگی‌ها در مدل تحلیل مسیر توسط فلش دو طرفه (\leftrightarrow) نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد متغیرهایی که برای این تحقیق انتخاب شده اند با همدیگر همبستگی بالایی دارند و دارای پشتوانه تئوریک بوده و افزایش یا کاهش در هر یک از این متغیرها همراه با افزایش یا کاهش در متغیر مقایسه شده با آن می‌باشد.

نمودار شماره ۱ - تحلیل مسیر تأثیر عوامل مستقیم و غیرمستقیم بر روی رضایت از زندگی و جایگاه امنیت در آن



نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج، مشاهده می‌شود که میزان رضایت فردی روند رو به رشدی دارد و در مجموع میزان رضایت در این حوزه بیشتر از عدم رضایت است. اما در خصوص حوزه فرافرادی (یعنی در حوزه اجتماعی) رضایت از زندگی، سیر نزولی دارد. البته در این خصوص تحلیل‌هایی در کتاب «تحلیل پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، رضایت از زندگی و ارزیابی اجتماعی» شده که حایز اهمیت است، زیرا در این تحلیل آمده که «در ایران اقداماتی سبب افزایش شاخص‌های توسعه انسانی شده‌اند که عبارت‌اند از: افزایش و گسترش تحصیلات و آموزش عالی، گسترش امکان تحرک طبقاتی و اجتماعی و اتخاذ سیاست‌هایی که در عمل به تقویت طبقه متوسط انجامیده و موجبات افزایش رضایت فردی را فراهم کرده است. اما در کنار این تحولات بی‌سامانی در عرصه مدیریتی، تعدد و تکثر الگوهای ساماندهی فرهنگی و اجتماعی و عدم انطباق سازمان مدیریتی کشور با تحولات اجتماعی و فرهنگی سبب شده است که فضای عمومی جامعه وضع نامطلوبی بیابد و افزایش جمعیت شهری نیز هر روز به این فضای نامطلوب دامن می‌زند. البته در کنار موارد فوق به رسانه‌های شدن فضای عمومی (تأثیر رسانه‌ها) و الگوی توقعات فزاینده و اهمیت یافتن نیازهای ثانویه در بین مردم و در نهایت ناتوانی جامعه در ارضای آنها اشاره شده است که مجموع این عوامل نشان می‌دهد میزان رضایت اجتماعی جهت معکوس با رضایت فردی داشته است.

اما طبق نتایج تحلیل مسیر مشخص شد که متغیر امنیت دارای تأثیر بالایی روی رضایت اجتماعی می‌باشد، البته بر طبق نتایج همبستگی، ضریب همبستگی بین رضایت اجتماعی و احساس امنیت بالاست و بالا بودن میزان هر یک از این دو می‌تواند در خلق دیگری مؤثر باشد. از این رو، ایجاد امنیت در سطح اجتماع و در بین عموم مردم باید به عنوان متغیر کلیدی مورد مطالعه قرار گیرد، احساس امنیت در بین مردم می‌تواند در بالا بردن رضایت اجتماعی و مشارکت مؤثر باشد. بدین ترتیب پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های نظامی و انتظامی (علی‌الخصوص نیروی انتظامی و پلیس ۱۱۰) فعالیت خود را با توجه به نیازمندی‌های روز در این زمینه ادامه دهند،

زیرا اگر عدم احساس امنیت در بین تعدادی از مردم (حتی در بعضی از زمینه‌ها) به وجود آید، خیلی سریع به صورت تضاد هندسی در بین عموم مردم این احساس عدم امنیت شایع می‌شود و در نتیجه در سطح اجتماع گسترش می‌یابد و از این طریق احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در بین مردم نسبت به همدیگر در سطح اجتماع به وجود می‌آید. علاوه بر آن فعالیت مسئولان در زمینه مسائل اقتصادی و ایجاد نوعی امنیت اقتصادی برای تولید کنندگان و قشرهای مختلف اقتصادی می‌تواند در گسترش امنیت اجتماعی در بین مردم مؤثر واقع شود. پس منظور ما از امنیت در این نوشتار ابعاد مختلفی را شامل می‌شود و در واقع هدف احساس آرامش و نوعی تأمین خاطر برای اقشار مختلف اجتماع و نوعی عدم وجود زمینه فعالیت برای قشرهای تبهکار یا زمینه نامساعد برای فعالیت‌های ناسالم در جامعه است و به همین جهت نگارندگان با الهام از آنتونی گیدنز به کلمه «امنیت وجودی» اشاره کرده و هدف ایجاد امنیت برای عموم مردم جامعه در مراحل مختلف زندگی است.

پیشنهاد بعدی راجع به توجه مسئولان به خواسته‌ها و نیازهای مردم است، در این خصوص باید گفت که کارایی هر سازمان مهم‌ترین عامل در جلب اعتماد مردم به آن سازمان می‌باشد (Misztal, ۱۹۹۶: ۸۲) در توضیح می‌توان از نظریه قدرت پارسونز استفاده کرد، طبق این نظریه، نهاد سیاسی در یک جامعه کارکرد و وظیفه تحقق اهداف جمعی را به عهده دارد و مردم در جهت تحقق اهداف فردی و اجتماعی به نظام سیاسی اعتماد پیدا می‌کنند و بدین شکل به آن مشروعیت می‌بخشند. ولی اگر میزان کارایی عاملان نظام سیاسی پایین باشد و نتواند نیازها و اهداف جمعی را برآورده سازد، میزان اعتماد مردم به نظام کاهش می‌یابد و مشروعیت نظام نیز دچار رکود می‌شود، ولی اگر این نظام بتواند خواسته‌ها و اهداف جمعی را برآورده سازد، مردم از آن رضایت خواهند داشت و به تداوم حمایت خود از نظام سیاسی می‌پردازند (ورسلی، ۱۳۷۳: ۴۸۷). پس مسئولان سازمان‌ها باید به این امر مهم توجه داشته و عدالت و مساوات و توجه به بهره‌وری در راستای منافع اجتماعی را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند، زیرا وجود نظم در کارهای آنها و احساس امنیت در مردم در خصوص انجام گرفتن کارهای آنها در سازمان‌های دولتی

(بدون پول، پارتی، گذشت زمان زیاد و...) باعث جلب اعتماد آنها به سازمان‌ها شده و همین شرایط مهم‌ترین سرمایه اجتماعی برای هر سازمان محسوب می‌شود. از این‌رو، سازمان‌ها باید سعی کنند که به اعتماد مردم پاسخ مثبت دهند و باعث تداوم آن اعتماد شوند. (هزار جریبی و دیگران، ۱۳۸۶)

اکنون دیگر تأمین امنیت، حفظ ثبات و انضباط در کشور تنها برعهده دولت‌ها نیست و از طرف دیگر دولت‌ها هرچند در این زمینه برنامه ریزی دقیق و امکانات پیشرفته و نیروهای آموزش دیده ای داشته باشند، نمی‌توانند امنیت را به معنای واقعی کلمه در تمامی ابعاد ایجاد کنند، زیرا همیشه اتفاقات و مسائلی پیش می‌آید که ممکن است از دید دولتمردان و مسئولین مربوط پنهان بماند. از این‌رو، مشارکت‌های مردمی به‌خاطر حضور آنها در همه صحنه‌ها و اتفاقات بسیار مفید و باعث صرفه جویی در وقت و هزینه می‌شود و می‌تواند کمک زیادی در ایجاد امنیت جامعه داشته باشند، به‌طوری‌که با بالا رفتن احساس مسئولیت و مشارکت مردم با مسئولان و سازمان‌های متولی (از جمله سازمان‌های متولی امنیت) در اشکال مختلف (از جمله گزارش دهی و...) می‌تواند زمینه را برای سرمایه اجتماعی که خود امروزه یکی از زمینه‌های بلامنازع توسعه همه جانبه و پایدار می‌باشد، فراهم کند.

منابع

- ازکمپ، استوارت (۱۳۷۰) «روان‌شناسی اجتماعی کاربردی» ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- الوانی، سیدمهدی، (۱۳۷۸)، «نظریه برابری»، مجموعه مقالات رفتار سازمانی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۳)، «مطالعه میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان قزوینی»، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گودرزی، محسن، (۱۳۷۸)، «رضایت از زندگی» کتاب تحولات فرهنگی در ایران تهران: انتشارات روش.
- مازلو، آبراهام، اچ، (۱۳۶۷)، «تکلیف و شخصیت»، ترجمه احمد رضوانی، تهران: آستان قدس رضوی.
- ورسلی، پتر (۱۳۷۲)، «جامعه‌شناسی مدرن»، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپ پخش.
- بی‌نام (۱۳۸۰ و ۱۳۸۳) پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۹۹۴)، «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات امیرکبیر.

صفدری، سلمان، (۱۳۷۴)، «رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری اجتماعی، تهران: دانشکده ادبیات، دانشگاه شهیدبهشتی.

کریمی، یوسف (۱۳۷۳)، «روان‌شناسی اجتماعی»، تهران: انتشارات بعثت. چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۷۵)، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، نامه پژوهش، شماره ۱ مرکز پژوهش‌های بنیادی.

- نایبی، هوشنگ (۱۳۷۴). «سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی»، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- هزار جریبی، جعفر، رضا صفری شالی و پروانه آستین فشان (۱۳۸۶)، «بررسی ابعاد جامعه‌شناختی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه امنیت عمومی، سال دوم، شماره سوم و چهارم.

- ریتزر، جورج (۱۳۸۳). «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، ترجمه ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

-Cook, Karen s.f (1995) *Sociological Perspective on Social Psychology*, Allyn and Bacon .U.S.A .sixth Edition.

-Hewstone, Miles and stroebe wolfgang (2001), *introduction to social Psychology, A European perspective*. Blackwell publishers, Ltd -USA -third Edition.

- Mendoza, M.G, V.Napoli" (1995) *System of society*, "mami-dade community colley, sixth edition.

-Misztal, Barbara A, (1996) *Trust in Modern societies :The Search for the Bases of Social Order*, Blackwell.

-Rush, Michael (1992) *politics and society an introduction to political society*. (harvester whets sheaf.)

Safari Shali, Reza, (2010) *Investigation of Life Satisfaction and Factors affecting on it*, United Nation Human Rights, Geneva, (www.ohchr.org)